



مجموعه‌ای با تکیه بر توانایی‌ها: بدون وابستگی

گفت و گو با مهندس بابک کاموسی - مدیر عامل شرکت مهندسی پیشرو صنعت تیکا

گروه مهندسی تیکا با استفاده از جدیدترین دستاوردهای فنی دانش الکترونیک و کامپیوتر و به منظور استفاده از این علوم در عرصه‌های مختلف کنترل صنعتی و ارتقاء بهره‌وری در صنایع با تکنیک‌های پیشرفته اتوماسیون صنعتی فعالیت می‌نماید. این فعالیت با طراحی و تولید ده‌ها نوع دستگاه اندازه‌گیری و کنترل روز ابعاد استاندارد صنعتی آغاز گردیده و در ادامه با استفاده بیشتر از ظرفیت‌های فنی و اجرایی داخلی و با کمک دسترسی‌های گسترده تریه اطلاعات و منابع روز جهانی برای بالا بردن هرچه بیشتر سطح کمی و کیفی چگونگی استفاده از منابع، در جهت افزایش بهره‌وری صنایع دنبال می‌شود، هم‌اکنون با تجربه یک دهه مشارکت در طراحی و ساخت بخش‌های الکترونیک ده‌ها پروژه بزرگ و کوچک و استفاده مداوم از این دستگاه‌ها در عرصه‌های مختلف صنعتی و با شکل‌گیری یک روند تولید کاملاً صنعتی این شرکت تلاش می‌نماید تا خدمات خود را در تمامی فازهای یک تولید مطلوب صنعتی از طراحی تا تولید و سپس خدمات پس از فروش تقدیم فعالان عرصه‌های صنعتی بنماید. حفظ، تعمیق و گسترش ارتباطات فنی این شرکت با بسیاری از صنایع داخلی و صدور محصولات این شرکت در کنار ماشین‌آلات پیشرفته ساخت شرکت‌های موفق داخلی به خارج از کشور و همین‌طور گرفتن سفارشات طراحی و تولید دستگاه‌های خاص از برخی کمپانی‌های بزرگ خارجی، مسئولیتی جدی برای این گروه مهندسی ایجاد کرده است. مهندس کاموسی - مدیر عامل این شرکت - مدرک فوق‌دیپلم خود را در رشته الکترونیک از دانشگاه مازندران و مهندسی خود را در رشته کامپیوتر از دانشگاه اصفهان کسب کرده است. داستان راه‌اندازی شرکت تیکا هم‌مانند داستان اکثر کارآفرینان که از هیچ، همه چیز می‌آفرینند، است. وی فعالیت حرفه‌ای خود را ابتدا در چند شرکت شروع می‌کند اما به تدریج و با گذشت زمان متوجه وجود یکسری روابط نامطلوب در این شرکت‌ها می‌شود و به این نتیجه می‌رسد که جای پیشرفت ندارد لذا تصمیم می‌گیرد برای خود شرکتی راه‌اندازی نماید تا دیگر شاهد وجود روابط نامناسب و... نباشد، با کمک دوستان و تلاش‌های شبانه‌روزی، کار به بار می‌نشیند و تیکا راه‌اندازی می‌شود؛ اگرچه پس از مدتی چند نفر از دوستان از کار جدا می‌شوند اما تیکا به راه خود ادامه می‌دهد تا امروز که کارخانه بزرگی را در شمال کشور در شرف راه‌اندازی دارد و زمینه اشتغال ده‌ها نفر به وجود آمده است. گفت و گوی ما با مهندس کاموسی از نظراتان می‌گذرد:

آموزش خاصی ندیده بودیم و با یکسری قوانین و روال‌های خاص مانند مالیات، بیمه و... هم‌آشنایی نداشتیم. به هر حال متوجه شدیم که برای شرکت در این بازی باید قواعد این کار را به مرور بیاموزیم. به نظر می‌رسد برگزاری دوره‌های آموزشی می‌تواند مفید باشد زیرا بسیاری از موارد را لااقل بصورت تئوری می‌توان در این دوره‌ها فرا گرفت. چیزی شبیه آئین نامه اولیه رانندگی! متأسفانه در حال حاضر وضعیت به گونه‌ای است که راه‌اندازی یک شرکت امر ساده و پیش پا افتاده‌ای است و هر کسی می‌تواند اقدام به تأسیس شرکت نماید

قابل انطباق با کار ما تبدیل سرمایه به کار نبود بلکه رابطه‌ای ترکیبی بود که از کار شروع می‌شد. در ادامه امیدواریم به روال طبیعی تر و دوطرفه سرمایه و کار تبدیل شود. در هر حال هسته اصلی این کار همراه با آقای مهندس علیرضا دیوسالار یکی از دوستان هم‌دانشگاهی من در یک ماراتن پایاپای شکل گرفت.

در سالهای ابتدایی راه‌اندازی شرکت با چه مشکلاتی مواجه بودید؟

نبودن سرمایه و تعریف نشدن بعضی از کارها از قبل، مشکل بزرگی برایمان بود زیرا در این زمینه

راه‌اندازی کردیم؛ اما عملاً کار دونفره آغاز و ادامه یافت و دوستان دیگر از این حرکت جدا شدند. فعالیت پرریسکی بود و مجبور بودیم برای شکل‌گیری آن از سایر مشغله‌ها و فعالیت‌های خود جدا شویم و تمام وقت هم درگیر باشیم. به هر حال کار را در زمینه اتوماسیون صنعتی و ابزار دقیق تقریباً از صفر شروع کردیم و سرمایه اولیه مان هم بسیار ناچیز بود. دانش تئوریک دانشگاه جوابگو نبود و از روزهای ابتدایی کار، تلاش شبانه‌روزی برای مطالعه، طراحی و ساخت دستگاه‌ها آغاز شد و به تدریج فعالیت‌هایمان گسترش یافت؛ البته مدل

در مورد اولین تجربه کاری خودتان بگویید و اینکه راه را چگونه آغاز کردید؟

در خلال دوران تحصیل فعالیت‌های کاری متنوع و زیادی داشتم و پس از دوران سربازی هم در چند سازمان و شرکت بطور همزمان مشغول کار شدم. طی این سالها تلاش کردم موفق باشم اما اکثراً متوجه وجود یکسری روابط نامناسب در محیط‌های کاری می‌شدم این شد که به این نتیجه رسیدم که جای پیشرفتی در داخل جریان‌های دیگر کاری ندارم لذا با کمک و همفکری چند نفر از دوستان دوره فوق‌دیپلم، حدود ۱۱ سال قبل شرکت تیکا

اما مراحل بعدی و هزاران نکته قانونی بعدی، فقط با صرف زمان و هزینه های فراوان بتدریج معلوم می گردد.

نکته بعدی هم این است که برخی از سازمانها و نهادها به مدیرانی که عموماً نه در دوره تحصیلات خود این آموزشها را دیدهاند و نه دوره آماده سازی ویژه ای را پشت سرگذارده اند تا در طی آن با مسائل و قوانین اداری و غیره آشنا شوند مرتباً اعتراض می کنند و انتظار دارند همه از تمام قوانین و مسائل داخلی آنها با خبر باشند؛ اما هیچ کاری برای آموزش این قوانین در نظر گرفته نشده است. می دانید که یک شرکت خصوصی کوچک امکان این را هم ندارد که از مشاورین مجرب در هر زمینه ای استفاده نماید. در زمینه اطلاع رسانی به بخش خصوصی چه در مورد قوانینی که به نفع آنان در نظر گرفته شده باشد و چه قوانینی که بر علیه آنان باشد عموماً هیچ اطلاع رسانی بموقع و درستی صورت نمی گیرد اما در هنگام اعمال جرائم و مجازاتهای خیلی سریع و ضرب العجلی اقدام می شود. ما با تلاشهایی سعی کرده ایم شرکت را به بازار معرفی کنیم و قطعاً هنوز هم به این تلاش ادامه می دهیم.

مشکل اینجاست که وقتی تمام توجهاتمان معطوف امور فنی و تکنیکی کار می شود از توجه به امور دیگر باز می مانیم و حتی بسیاری از ضرورتها را نمی بینیم این مسأله باعث می شود مجموعه با مشکلات عدیده ای مواجه گردد بسیاری از مشتریان بارها و بارها از ما پرسیده اند که چرا شرکت و فعالیتهایمان را بیشتر معرفی نمی کنید؛ فکر می کنیم برای گرفتن نتیجه مطلوبتر بهتر است از ابتدا برنامه ریزی و اطلاعاتی را برای پیش بینی اولیه کارها داشته باشیم و لازمه این امر داشتن سرمایه و اطلاعات به موقع و کافی می باشد. برای رشد یک مجموعه یا باید عمرتان را بگذارید تا شاید در آینده از ثمرات کوشش خود استفاده کنید یا با بهره گیری از منابع و سرمایه کافی در یک برنامه ریزی اصولی تر به موفقیت دست یابید.

ایجاد یک مجموعه کاری، اقدامی ضرورتاً جدید و بدیع نیست، انجام کار مستلزم رعایت یکسری اصول است که البته بهتر است از ابتدا بیشتر دانسته شود تا طی سالها فقط ابتکاری در اداره شرکتها وجود دارد که موجب پیشرفت و تمایز آنها می شود و در کنار آن هم عواملی وجود دارد که باعث سقوط بیشتر شرکتها می شود. آموزش در هر کاری از جمله راه اندازی شرکت بسیار مفید است.

بخش دیگری از مشکلات هم به دلیل آرمانگراییهای ما بود. ما می خواستیم به جای اینکه استخدام شرکتی شویم مجموعه ای را راه اندازی کنیم که روابط جدیدی را سامان دهد بنابر این با اهداف بلندمدتی کار را شروع کردیم که نه فقط پیشرفت فنی و مالی بلکه یکسری پیشرفت های فرهنگی و ارتباطی را هم مدنظر داشتیم چرا که روابط کاری سایر سازمانها را هم بصورت درست قبول نداشتیم؛ اما بادست خالی داشتن هدف های بلند، خالی از دردسر نخواهد بود؛ البته این کار را هم تا حدودی پیش بردیم و سعی شد تا روابط میان پرسنل روابط دوستانه و نزدیکی باشد. در طول این سالها کارکنانی داشته ایم که کار را از صفر با ما شروع کرده اند، دانشجویانی

متاسفانه در کشور ما ضعف و بی توجهی تمام سازمانهای مکمل نظیر بیمه و غیره هم بر دوش واحدهای کاری و تولیدی خصوصی قرار دارد. در واقع ما موظف گردیده ایم که همیشه روابط و قوانینی که عموماً با روند ماندگاری و رشد طبیعی یک شرکت منافات دارند را هم رعایت نماییم و متاسفانه این امر در مواردی اصل موجودیت کارمان را هم به زیر سوال می برد

نداشتیم و وضعیت مالی بدی هم وجود داشت. اکثراً تقریباً با شناختی که در روابط گذشته از ما داشتند متوجه موضوع شدند و بنظر من بزرگوارانه پذیرفتند اما یک نفر به دنبال شکایت کردن رفت. جا دارد اضافه کنم که تمام تجربیات قبلی این فرد خلاصه می شد در یک کار دو هفته ای در یک بنگاه مسکن جهت نشان دادن منازل. اما در این شرکت بعنوان کارمند بخش الکترونیک و مونتاژ کار شروع به کار کرد و مهارت های قابل قبولی در این زمینه بدست آورد اما به دلیل عدم درک درست از خواسته ما و مشاوره غلطی که در اداره کار به وی داده شده بود در آن مقطع شکایت کرد و حدود یکسال ما را درگیر جلسات شبه دادگاهی نمود. من فکر می کنم در مقطعی از کاربرای حفظ دوام مجموعه ها، بایستی قدرت انتخاب یا تعدیل نیروهایی که به کار گرفته می شوند را هم داشت و این را خواسته عجیب و مستکارانه ای نمی دانم.

در بسیاری از کشورهای دیگر شرکت های پیشرو بسته به سیاستهای مقطعی خود چنین مانورهایی می دهند و فکری نمی کنند سازمان های پشتیبانی کننده ای هم باید باشد تا خلاء ناشی از آن را پر کنند. متاسفانه در کشور ما ضعف و بی توجهی تمام سازمانهای مکمل نظیر بیمه و غیره هم بر دوش واحدهای کاری و تولیدی خصوصی قرار دارد. در واقع ما موظف گردیده ایم که همیشه روابط و قوانینی که عموماً با روند ماندگاری و رشد طبیعی یک شرکت منافات دارند را هم رعایت نماییم و متاسفانه این امر در مواردی اصل موجودیت کارمان را هم به زیر سوال می برد. در حالی که شاید یکی از ملاک های ارزیابی یک شرکت را همین توانایی تشخیص موقعیت و مانورهای آنها در مقابل فعل و انفعالات اقتصادی جامعه باید به حساب آوریم.

هدف ما همانطور که گفتم ایجاد یک محیط کاملاً علمی و فنی در فضایی دوستانه و اجتناب از دنباله روی از روابط دلالی و نادرست رایج در جامعه بوده است. اما پشتیبانی موثر از این نوع عملکردها چه در سطح عمومی و چه در سطح قوانین و مجریان آن وجود ندارد و به کارهای غیرمولد اقبال بیشتری نشان می دهند. متاسفانه در قوانین نوشته و نانوشته رایج کارگر را همیشه مظلوم و کارفرما همیشه ظالم که محصول باورهای ما از شریعتی دیگر است. با وجودی که شخصاً به تعمیق روابط انسانی و حفظ حقوق افراد درکار معتقدیم اما بخصوص در شرایط فعلی این کشور و بویژه در کارهایی نظیر کار خودمان فکر می کنیم گرچه نقش واژهها را اینقدر نباید جدی گرفت ولی بخاطر تاثیر آن در تعابیر ذهنی بدنیست که در این ارتباط به جای واژه کارفرما از واژه های دیگری نظیر کارآفرین و غیره استفاده نماییم تا شاید این باور غلط بشکند. حفظ منافع کارگری فقط در صورت

در تیکا دوران کارآموزی خود را طی کرده اند که امروز مهندسین موفق هستند حتی مهندسینی در این شرکت کار می کردند که در بدو ورود ساده ترین عناصر الکترونیک را نمی شناختند و تا مدتها بابت نا آشنایی شان با کارها این موضوع را به ما نگفتند، ما به عنوان نیروی تازه کار با آنها برخورد می کردیم ولی بعد از ماهها همکاری متوجه شدیم که فارغ التحصیل دانشگاه بوده اند!! از بابت دروغی که گفته بودند ابتدا سرزنششان می کردیم، اما وقتی می دیدیم که بدلیل مشکلات موجود در پیدا کردن کار و فضای مناسب و همینطور عدم توانایی لازم برای ارائه آنچه در رابطه با آن فارغ التحصیل گشته اند به اینکار دست زده اند از سرزنش آنان دست برداشتیم و دیگر سعی کردیم ملاک انتخاب کارکنان و حقوق افراد را مقطع تحصیلیشان نگذاریم و علاقه مندی و توانایی هایشان را مدنظر داشته باشیم.

بله! روزهای سخت زیادی را هم پشت سر گذرانده ایم، روزهایی بوده که اوایل صبح وارد شرکت شده و چند روز بعد به منازل خود بازمی گشتیم و تمام این مدت بدون خواب و بی وقفه به فعالیتیمان ادامه می دادیم. هفته هایی بوده که بچه هایمان را نمی دیدیم و پشت تلفن با گریه حضور ما را در خانه طلب می کردند. روزهایی که البته تا این کار ادامه دارد همچنان وجود خواهند داشت. در مورد پرداخت حقوق هم همیشه سعی کرده ایم ابتدا حقوق پرسنل و سپس حقوق خودمان را بپردازیم. به دفعات خصوصاً اوایل کار اصلاً حقوقی برداشت نمی کردیم و هنوز کلی حقوق معوقه برای خودمان در حسابها داریم اما در همان مقاطع هم از پرداخت حقوق پرسنل هیچگاه غافل نشدیم. درکل صداقت و رابطه نزدیک و صمیمانه با همکاران را یکی از اصول ضروری برای پیشبرد این نوع کارها می دانم.

عکس العمل شما در مواقع بحرانی و هنگامی که با مشکل نقدینگی مواجه می شوید، چیست؟

به هر حال در روند هر فعالیت جدی استرس های مالی، فنی و ارتباطی ایجاد می شود و ما هم راه های مختلفی را بر اساس تجربه یا ابتکاری در مقابل هر کدام به کار بسته ایم. در این سالها با مشکلات مالی زیادی مواجه بودیم اما هرگز به این علت کارمندی را اخراج نکرده ایم. فقط یک بار در طول این مدت به دلیل پیش بینی که داشتیم؛ دوستانه با همه صحبت کردیم و وضعیت مالی شرکت را توضیح دادیم. می خواستیم تعدادی از بچهها فرصت یکی دو ماهه ای به ما بدهند تا در آن مدت طراحی پروژه جدیدی را به پایان بریم و پس از گرفتن سفارش تولید آن، بچهها را مجدداً به ادامه همکاری دعوت کنیم و این کار را هم کردیم. متاسفانه در آن برهه از زمان هیچ سفارش دیگری

تقویت بستر کار و کارآفرینی می تواند متصور شود. با این دید شاید بتوانیم در باورهایمان جایگاه ظالم واقعی را به هردو این اقشار که به نظر من مظلوم می باشند، بهتر شناسانده و معرفی نماییم.

چه عاملی باعث شد در مواجهه با مسائل و مشکلات به مسیر ادامه دهید؟

در گذشته و اگر بتوانیم هنوز هم هر چند وقت یکبار به کوه می رویم شاید کوه نوردی بخصوص گروهی برایمان درسهای بیشتری برای مقاومت و پایداری در ادامه این کار داشته است!

فکر می کنم باید این درس را از کوهستان گرفته باشیم که هدف یک کوهنورد نباید صرفاً فتح یک قله باشد. چگونه در مسیر قله حرکت کردن و حفظ منافع مجموعه افراد همراه و یاری رسانی به دیگران برای فتح قله ای که لوازمش را میبیا می کنی اما خودت حتی رنگ آن را هم نمی بینی، از فتح یک قله توسط یک کوهنورد بسیار بالاتر است.

سعی کرده ایم در هر حالت سرپا بمانیم گاهی اوقات فکر می کنیم اگر کس دیگری بجای ما بود به این کار ادامه نمی داد اما با درس های گرفته شده از گذشته، در بحران های شدید کاری از این حرکت گروهی مایوس نشدیم و به مسیر خود ادامه دادیم تا شاید بتوانیم روزهای روشن تری را هم تجربه کنیم.

چقدر خودتان را موفق می دانید؟

موفقیت نسبی است و به طور مطلق نمی توان گفت موفق بوده ایم. نسبت به برخی چیزهایی که به آن رسیدیم می شود گفت موفق بوده ایم. دوستانی داشته ایم که بعد از سالها مارا دوباره می بینند و تعجب می کنند که هنوز سرپامانده ایم و می گویند هروقت تبلیغی از شما می بینیم خدارا شکر می کنیم که هنوز ادامه می دهید. وقتی که بدانیم ما از صفر شروع کرده ایم ولی امروز یک کارخانه با فضای نسبتاً بزرگ را در حال راه اندازی داریم، برخی اهداف را ظاهراً باید محقق شده بدانیم. ولی صادقانه بگویم رضایت چندانی نداریم. ۵ سال در بدترین شرایط آب و هوایی جاده های شمال کشور دررفت و آمد بودیم. از برف و بهمن و کولاک سخت تر با مشکلات اداری و بوروکراسی بانکها و سازمانها مواجه بوده ایم و بارها دلسرد شده ایم. نتیجه ای که الان به آن رسیده ایم طرح کاملاً توجیه شده و هدف چند سال پیشمان بود که شاید توجیه پذیری شروع آن برای امروز تا حدودی به زیر سوال رفته باشد. به گمان ما اگر در همان زمانها این راه برایمان گشوده شده بود مطمئناً بسیار موفق تر از امروز عمل می کردیم.

اما از بعد فردی اگر می پرسید فقط تلاش کرده ام موفق باشم شاید بتوان گفت موفق هم نبوده ام زیرا اصلاً در مقابل چیزی که از دست داده ام چیز زیادی بدست نیاورده ام. زمانی ایده آل های زیادی در ذهن داشتم که به آن نرسیده ام. در مواقعی به این فکری که کمه وقتی زندگی را برای رسیدن به یکسری اهداف تعیین شده شغلی در معامله شرکت می دهیم در بهترین حالات آن هم، فقط یک بازنده خواهیم بود!

آیا در طی سالها به دلیل مواجهه با مشکلات و سختی کار که به آن اشاره کردید؛ از راه اندازی شرکت پشیمان شده اید؟

همانطور که اشاره شد بحران زیاد داشته ایم اما بسیاری راهم پشت سر گذاشتیم و دیگر در رودریایی با خودمان مانده ایم! البته گاهی فکرمی کنم که اگر کارمند شرکت دیگری بودم موفقیت بهتری از لحاظ مالی و استفاده از زمان داشتم. اما همیشه برای استقلال و موثر بودن در ایجاد مناسبات بهترکاری، ارزش بیشتری قائل بوده ام. نمی توانم بگویم به آن اهداف رسیده ایم یا خیر اما شخصا فکرمی کنم حداقل به درکی از شرایط کاری و برقراری ارتباط با دیگران رسیده ام که پیش از آن امکان آن را نداشتم. متأسفانه ارزش تلاش و کارافراد و همینطور تفاهم و هدفدار حرکت کردن یک مجموعه در محیط های کارمندی دولتی و شبه دولتی هیچگاه مشخص نمی شود.

از بابت مناسبات فردی متأسفانه در ایران خیلی احساسی در کارها برخورد می کنیم اما لافلاقی نباید اجازه دهیم اصول کار را احساسات تعیین نمایند. فکر می کنم چون تجربه انجام کارهای مانوفاکتوری و گروهی به خصوص پس از انقلاب صنعتی در غرب شروع شده باید آموزش هایی از کمیت و کیفیت دستاوردهای آنان در این زمینه داشته و از ابزارهای کنترلی دیگری هم برای پیشبرد امور استفاده کنیم و با دانش روز منطقی تر پیش برویم.

ما در امور کشاورزی و دامپروری هم بایستی از علوم روز در تلفیق با داشته هایمان بهره مند شویم چه رسد به تکنولوژی های جدیدی نظیر کامپیوتر، الکترونیک، IT و... که مجبوریم حتی القابی آن را از دیگران بیاموزیم. تا جایی که من می دانم کارشناسی و گسترش این نوع سازمانها تجربه ای نیست که از رجوع خالص به اطلاعات گذشته مان بتوانیم به روش های آن دسترسی پیدا کنیم.

فکر می کنید تا چه میزان ریسک پذیر هستید؟

تمام کارهای ما تحمل ریسک بوده است اگر نبود که اصلا شرکتی با این اهداف راه اندازی نمی شد و برای ادامه مسیر هم ریسکهای زیادی را انجام داده ایم. قطعاً در مقاطعی انسان محافظه کار می شود اما اگر ادامه کار را در برنامه داشته باشیم می بینیم در این محافظه کاری هم ریسکهای حساب شده تری وجود خواهد داشت. به گمان من برای ماندگاری در این فیلد کاری، از برخی لحاظ درصد این ریسک ها بیشتر هم می شود. اگر توسعه طلبی های کشورهای دیگر برای در اختیار داشتن بازارهای تولید جهانی، مناسبات ناپایدار کشورمان

و دنیا و متعاقب آن نامشخص بودن سیاستهای دولت های ما در سیاستگذاری های خود را در کنار رشد لحظه ای و پرسرعت تکنولوژی در دنیا بگذاریم متوجه ریسک های بالایی که برای ماندگاری و ادامه این مسیر لازم خواهد بود می شویم. برای عقلانی تر کردن این ریسکها، ناگزیریم پویاتر عمل کنیم تا برای آینده با اطلاعات فنی و محیطی به روزتر بتوانیم بصورت موثر برنامه ریزی کنیم.

برخورد خانواده و عکس العمل آنها در مقابل کار شما چیست؟

قطعاً در مواردی مشکل ساز بوده است اما خوشبختانه رشته تحصیلی همسر هم فنی است و شرایط را درک می کند و این خود نقطه قوتی است، بنابراین تاکنون مشکل حادی نداشته ام. به هر حال قدر مسلم آن است که چیزهایی را از دست داده ایم که دیگر نمی توان جبران کرد. مهمترین آنها رشد بچه هاست. آنقدر سرگرم کار می شویم که رشد فرزندانمان را آنطور که باید نمی بینیم و تاثیراتی را که زمانی بسیار ضروری می دانستیم بر آنها نمی گذاریم و همینطور است انجام وظیفه در قبال سایر اعضای خانواده. به هر حال ما ایرانی هستیم و برای ارتباطات خانوادگی اهمیت زیادی

یا بعنوان افراد ماهر در شرکت های دیگر شاغل هستند. همچنین افراد بسیار زیادی هم به عنوان واحدهای کارآموزی و پروژه دانشگاهی با ما همراه گردیده اند.

از بابت فعالیت های انجام شده باید بگویم در چند سال اخیر بدون اغراق بالغ بر دهها نوع دستگاه الکترونیکی ساخته ایم و به دلیل رویکرد شرکت به پاسخگویی و انجام نیازهای مشتریانمان که در قالب پروژه های مختلف مطرح می گردیدند کارهای متنوع زیادی انجام داده ایم و دستگاه های زیادی به بسیاری از صنایع از جمله غذایی، ماشین سازی، خودروسازی و... ارائه گشته است. برخی از دستگاهها به همراه ماشین آلات ساخته شده در داخل کشور به کشورهای دیگر نظیر ارمنستان، اوکراین، افغانستان، کویت، سوریه و عراق صادر گردیده اند. در فرصت های بعدی برخی دستگاه ها را بر اساس خواسته ها طبقه بندی کردیم و دستگاه هایی ساختیم که غالب خواسته های مصرف کنندگان صنعتی را پوشش دهد. دستگاه هایی را فعلاً ساخته ایم که قابلیت برنامه ریزی مختلف دارد. تعدادی از دستگاهها را به آمریکا صادر کرده ایم و این یکی از افتخارات

انتظار ما ضمن در نظر گرفتن منافع کلان کشور، صرفاً تلاش بیشتر آنان برای ایجاد یک عرصه قابل رقابت بمنظور رشد، توسعه و تکامل هسته های کوچک و بزرگی است که بدون هیچگونه ادعا و طلبکاری بارهای مهمی از چرخه اقتصادی و فنی کشور را بردوش می کشند

قائلیم. اعضای خانواده در ارتباط با یکدیگر انتظاراتی دارند که بسیاری از آنها کاملاً به جاست. کار پرتنش، فکری و بدون زمان های توقف معمول و قابل پیش بینی متأسفانه فرصت انجام بسیاری از خواسته های شخصی ما را هم از ما می گیرد چه رسد به خواسته های سایرین و این فقط مایه دروغ ما است.

پرسنل فعلی و فعالیت امروز...؟

پرسنل ما بسته به نیازهای تعریف شده در مقاطع مختلف از لحاظ آماری و سطح تحصیلات متغیر بوده اند. نمی توانم آمار دقیقی ارائه کنم اما بد نیست گفته شود که ده ها نفر در این مدت همراه ما گردیده اند که بسیاری از آنها اصولاً کار و حرفه را با ما شناختند و امروز یا در همین شرکت و

ماست. باید بپذیریم به خصوص در زمینه الکترونیک آمریکا یکی از قطبهای اصلی تکنولوژی دنیاست. ما توانسته ایم با جلب اعتماد برخی از ایرانیهای مقیم آنجا دستگاه هایی برایشان طراحی نماییم که پس از یکسال طی مراحل تست در کشورهای مختلف، سفارش تولید آنها را بگیریم. بنابراین ثمره کاری که از صفر شروع شد امروز به ساخت دستگاه هایی برای کشورهای دیگر منجر گشته که این حرکت همچنان در حال انجام، پی گیری و توسعه است.

نکته پایانی این گفت و گو؟

ما کار و مسئولیت خود را خارق العاده نمی دانیم و همانطور که اشاره شد در مقابل آنچه از دست داده ایم که البته به هیچ وجه منظور سرمایه نداشته اولیه مان نیست، کار چندان بزرگی انجام نداده ایم فقط می توانم در این رابطه بگویم، صادقانه برای این کار و این راه تلاش کرده ایم و از این بابت چیزی کم نگذاشته ایم. تمام این تلاش ثمره درک و راه حل هایی بوده که در مقاطع مختلف و برای مواجهه با مشکلات متنوع پیش رویمان برگزیده شده است. توقع اصلیمان از خودمان بوده است و برای طرح خواسته هایمان هم هیچوقت فرصتی و محل مشخصی نداشته ایم. اما به خوبی می دانیم که راه حل مناسب نمی تواند صرفاً تلاش انفرادی واحدهای صنفی برای حل مشکلات عمومی پیش رویشان باشد. برای نیل به موفقیت های فراگیرتر که نشریه شما بدنبال معرفی راه های آن است

نیاز به شناخت و درک درست از شرایط دنیا و جامعه وجود دارد که می تواند کمک بیشتری به بهتر شدن این شرایط بنماید. مدیران کلان و سیاستگذاران باید تلاش خود را در جهت ایجاد ثبات بیشتر در مناسبات بخصوص اقتصادی داخلی و خارجی و تأمین نیازهای واقعی جریانهای مولد و فعال جامعه به کار بندند. متأسفانه سازمان های بزرگی از لحاظ اسم، سرمایه، قدرت و امکانات در کشور وجود دارد که کمک چندانی به بهبود این مناسبات نمی کنند. وزارتخانه هایی هستند که برخلاف تصورات اولیه به جای اعلام صریح موفقیتها به آنان و توقع کارگشایی های کلیدی همواره باید سعی در پرهیز از مواجهه با آنان بنماییم چرا که متأسفانه در مواجهه با آنها متوجه می شوید هدفشان نه کمک به شما، که بیشتر در جهت برخورد و نابود کردن بخش های غیر وابسته نظیر ما عمل می کنند. متأسفانه بیشتر کارمندانمان هدف و کار مشخصی ندارند و به همین دلیل و از سر بیکاری ویا کار آفرینی! در طول ساعات کاریشان فقط در کار دیگران سنگ اندازی می کنند، مرتب با ارباب رجوع سرشاخ هستند و به جای تأثیرگذاری مثبت در روابط کاری فقط انجام کارها را دشوارتر می سازند و به راه سنگلاخی موجود، سنگ های ریز و درشت بیشتری هدیه می کنند.

پایبندی و اصرار به روابط عقب افتاده و غلط سنتی چیزی جز عقب ماندگی هرچه بیشتر برای مردم ما در پی نخواهد داشت و متقابلاً سعی در استفاده بیشتر از دستاوردهای تکنولوژی در نقل و انتقالات الکترونیک پولی، سهولت در خرید و فروش کالا و قطعات در روابط داخلی و خارجی و تلاش در جهت تسهیل در این ارتباطات می تواند همچون سایر کشورهای موفق برای کشور ما هم موفقیت های بزرگی را بدنبال داشته باشد.

همانطور که ذکر شد ما مجموعه ای هستیم که با تکیه بر توانایی های خود و بدون وابستگی به بنگاه های اقتصادی دولتی و شبه دولتی به یکسری دستاوردها نظیر دانش فنی و بطور خلاصه برخی توانایی های نرم افزاری و سخت افزاری دست یافته ایم و از مناسبات موجود فقط توقع امکان حضور در یک رقابت سالم بمنظور استفاده از امکانات ایجاد شده را داریم.

خواسته ها و انتظارات ما از مدیریت سیاستگذار و اجرایی کشور آنقدر طبیعی و تکراری است که گاه از گفتن آنها شرم داریم.

انتظار ما ضمن در نظر گرفتن منافع کلان کشور، صرفاً تلاش بیشتر آنان برای ایجاد یک عرصه قابل رقابت بمنظور رشد، توسعه و تکامل هسته های کوچک و بزرگی است که بدون هیچگونه ادعا و طلبکاری بارهای مهمی از چرخه اقتصادی و فنی کشور را بردوش می کشند، اما این انتظاری است که بنظر می رسد بسیار زیادتر از آنی باشد که بتوانیم پاسخ درستی برای آن دریافت نماییم!

در پایان از صبر و صمیمیت شما برای این گفت و گو تشکر می کنم و اضافه می کنم که ما در مقام بلبل این باغ نبوده و نیستیم و امیدوارم این حرفها یک درد دل شخصی تلقی گردد و نشر آن مشکل جدیدی را به مشکلات گذشته ما نیفزاید چراکه اگر حرفی هم زده شده صرفاً ناله ای بوده که از قفسی آمده و بس!

